دریچه

مولاوردی در گفت‌وگو با مهر خبر داد؛

پیشنهاد دولت درباره جایگزین مجازات حبس زنان پذیرفته شد

● **مهر:** معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور از ارائه پیشنهادات مجازات‌های جایگزین برای زنان زندانی به قوه قضائیه خبر داد. شهیندخت مولاوردی در گفت‌وگویی مبنی‌بر اینکه ساماندهی جمعیت کیفری زندانیان در اولویت قوه قضائیه قرار گرفته است، آیا معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری برای کاهش میزان حبس زنان زندانی برنامه‌ای ارائه داده است؟ گفت: برای جایگزینی مجازات حبس پیشنهاداتی ارائه شده است. معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور از ارائه این پیشنهادات به قوه قضائیه خبر داد و افزود: در لایحه‌ای که قوه قضائیه در رابطه با ساماندهی و مجازات‌های جایگزین حبس دارد، ما هم نظرات خود را اعلام کرده و دستگاه قضا نیز آنها را پذیرفته است. وی اظهار کرد: جرائم مرتبط با مواد مخدر در این زمینه از اولویت ویژه‌ای برخوردار است و مجازات جایگزین بنا به نظر قوه قضائیه بررسی می‌شود. مولاوردی همچنین از ادامه همکاری معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور با انجمن حمایت از خانواده زندانیان خبر داد و افزود: براساس تفاهم‌نامه‌ای که با انجمن حمایت از خانواده زندانیان داشتیم، برنامه‌های ویژه حمایتی برای زنان سرپرست خانوار که همسرانشان زندانی هستند، ادامه دارد.

جلسه غیرعلنی شورای شهر برای حل اختلاف‌ها

● **شرق:** یکشنبه‌های شورای شهر تهران از ابتدای شکل‌گیری تابه‌حال با نظر اعضا در همه دوره‌ها، علنی اما بدون حضور مستمع و رسانه‌ها تشکیل شده تا بتوانند راحت و بدون فضای جلسات علنی به بررسی و گفت‌وگو بپردازند. شهردار تهران هم اگر بنایی برای پاسخ‌گویی به شورا داشته باشد، عموما یکشنبه‌ها از آسانسور و در پشتی شورا می‌آید و بعد از جلسه هم از همان راه می‌رود. این روند همیشه ادامه داشته؛ اما مواردی هم بوده که از این جلسات علنیِ بدون حضور مستمع، هیچ خبری با دستور رئیس و البته خواسته اعضا بیرون نیامده است. درست مانند روز گذشته که شورا روز مهم و پرحاشیه‌ای داشت؛ اما خبری بیرون نیامد. روابط‌عمومی شورا هم خبری منتشر نکرد و اعضا نیز به یکدیگر تعهد اخلاقی دادند، بیرون از شورا حرفی نزنند.

جلسه روز گذشته شورا که به گفته چند عضو، ملتهب و همراه با داد و فریاد بوده است، ادامه جلسه سه‌شنبه هفته گذشته بود که فضای شورا متشنج شد و چند عضو با عصبانیت و اعتراض و صدای بلند رودرروی هم درآمدند؛ در همان جلسه هفته گذشته مهدی چمران و چند عضو دیگر بر گذاشتن یک جلسه خودمانی ۳۱نفره بین اعضا تأکید کردند که باید زودتر برگزار شود تا سنگ‌ها بین خود اعضا واکنده شود و دیگر حرفی نماند.

روز گذشته اعضای شورا در پی تماس‌های خبرنگاران، جلسه و موضوعات آن را تأیید کردند؛ اما اعلام شد قولی مبنی بر صحبت‌نکردن درباره جلسه داده‌اند و قرار نیست صحبت‌ها رسانه‌ای شود. روابط‌عمومی شورا نیز در پاسخ به سؤال‌های متعدد خبرنگاران درباره محتوای جلسه مدعی شد جلسه غیرعلنی امروز مربوط به موضوعات داخلی شورا بوده که به‌هیچ‌وجه جنبه و ارزش خبری نداشته است. مجتبی شاکری دراین‌باره به «شرق» گفت: درباره موضوعات مرتبط با مسائل اخیر در شهرداری و شورا و اقدام برخی از اعضا در پرونده املاک شهرداری در جلسه دیروز بحث شد و اعضا درباره این مباحث بی‌پرده صحبت کردند. ابوالفضل قناعتی، عضو دیگر شورا هم در پاسخ به «شرق» یادآور شد که اعضا به هم تعهد اخلاقی داده‌اند و نباید درباره جزئیات جلسه صحبت کند. او درعین‌حال تأکید کرد: صحبت‌های دیروز در ادامه اتفاقات چند ماه اخیر در شورا و شهرداری بوده است و اعضا لازم داشتند بدون حضور رسانه‌ها و افراد دیگر و حتی مسئولان شهرداری خودشان با هم صحبت کنند و گلایه‌هایی را از اعضا، شهرداری و شورا داشته باشند. محمدمهدی تندگویان هم با تأکید بر اینکه اعضا خواسته‌اند موضوعات گفته نشود، افزود: این جلسه برای بیان درددل‌ها و انتقادهای اعضا نسبت به هم، شورا و شهرداری بوده و در پایان هم هیچ تصمیم یا برایندی نداشته است. تندگویان گفت: در جلسه دیروز همه اعضا حضور نداشتند و بیشتر از حد معمول هم طول کشید؛ اما اعضا ترجیح دادند موضوعات همان‌جا تمام شود و دیگر بیرون از شورا و در حضور رسانه‌ها اتفاقاتی مانند وضعیت صحن در هفته گذشته تکرار نشود.

به گزارش «شرق» موضوعات این جلسه، آن‌طورها هم مسکوت نمانده و بالاخره از گوشه‌ای درز می‌کند؛ اما اگر در نتیجه این جلسه غیرعلنی بسیاری از اختلاف‌ها و ناراحتی‌ها حل شود و روی دل اعضا نماند، حتما مؤثر بوده است.

عکس: رنوفه رستمی، شرق

تخریب چادرهای کپرنشینان در روستاهای شهریار

خانه‌ام آتش گرفته‌ست

شهرزاد همتی

«کودکان کپرنشین ساکن بیابان‌های اطراف شهر قدس حدود یک ماه است که شاهد به آتش کشیده‌شدن چادرهایی هستند که تنها سرپناه آنهاست. این کودکان از حداقل حقوق خود از جمله داشتن شناسنامه و حق تحصیل محروم‌اند و از طریق زباله‌گردی و کار در خیابان ارتزاق می‌کنند». این بخشی از خبری بود که روابط عمومی جمعیت امام علی (ع) برایمان ارسال کرد. ساعت ۱۵ بعدازظهر به همراه عکاس روزنامه و طراوت مظفریان از اعضای جمعیت امام علی به سمت شهریار می‌رویم تا اهالی روستای هفت‌جوی را ببینیم. نرسیده به میدان آزادی طراوت می‌گوید باید منتظر مهدی شویم، مهدی هم یکی دیگر از اعضای جمعیت است. ما برای رفتن عجله داریم و طراوت می‌گوید بهتر است یک مرد همراهمان باشد. بعد آرام می‌گوید: «آنجا ته دنیاست...». بعد از آمدن مهدی راه می‌افتیم و ترافیک و دوری راه باعث می‌شود که تقریبا دو ساعت تمام در راه بمانیم. هرچقدر به سمت شهریار می‌رویم راه‌ها پرپیچ‌وخم می‌شود. هر کدام از اعضای جمعیت برایمان بخشی از ماجرا را تعریف می‌کند. مظفریان می‌گوید: «روستای هفت‌جوی مابین قلعه‌حسن‌خان و شهریار واقع شده. درست چسبیده به کارخانه لبنیات دامداران و نرسیده به کلانتری، باید از بین قبرستان هفت‌جوی رد شوی تا به کپرهایشان برسی. اینها حداقل ۲۰ سال است در این بیابان‌ها زندگی می‌کنند. بالای معادن شن و درست وسط بیابان خدا. حالا بعد از پیگیری‌های بهزیستی و سازمان‌های مردم‌نهاد برای سروسامان‌دادن به وضعیت آنها، به جای سروسامان‌دادن تصمیم گرفته شده که به جای حل مسئله، کپرهایشان آتش زده شود. کپرهایی را که با پارچه و پلاستیک و ایرانیت ساخته‌اند، با وسایل به آتش کشیده‌اند. بعد از اینکه کپرهایشان را آتش زدند، عده‌ای از آنها فرار کردند و پشت معدن‌ها رفتند. اما ماجرا این است که در این سرما دیگر حتی چادری برای پنهان‌شدن ندارند». بعد از مدت کوتاهی مهدی می‌گوید: «حالا قرار شده از طریق یکی از خیّرها برایشان اتاق تهیه کنیم. اما خیران می‌گویند فعلا اولویت با آنهایی است که بچه‌های بیشتری دارند. سال گذشته در ماه رمضان، یکی از بچه‌ها گرمازده شد و مرد. شرایط زندگی آنها اصلا خوب نیست».

درست روبه‌روی قبرستان پارک می‌کنیم. طراوت می‌گوید: «باید از میان قبرستان برویم و بعد از جاده خاکی که رد شویم، به محل چادرها می‌رسیم». دیگر نوری باقی نمانده و تقریبا عکاسی غیرممکن است. از مهدی می‌پرسیم تا رسیدن به محل چقدر راه است و مهدی می‌گوید: «یک‌ربع باید پیاده راه برویم». بعد از اینکه با کلانتری محله هماهنگ می‌شود، وارد قبرستان می‌شویم. هوا کاملا تاریک شده و هیچ چیزی معلوم نیست. انتهای قبرستان با یک تپه کوچک به یک جاده خاکی متصل می‌شود. از تپه بالا می‌رویم و به زمین‌های بزرگی می‌رسیم. هکتار هکتار زمین بایر را دورش سیم خاردار کشیده‌اند تا کسی واردش نشود. کمی بالاتر از معدن شن مجاور زمین‌ها، هر چند روز یک بار کپرهای مردمی را به آتش می‌کشند که حتی غذایی برای خوردن ندارند. طراوت می‌گوید: «اکثر این افراد بلوچ هستند که مدت‌ها پیش به شمال ایران مهاجرت کرده‌اند و حالا به تهران آمده‌اند. عمده‌شان نوازندگان دوره‌گرد هستند. هیچ‌کدامشان شناسنامه ندارند، نه خودشان نه بچه‌های کوچکشان». از طراوت می‌پرسم زنانشان چه می‌کنند و او می‌گوید: «آنها فقیری می‌کنند. فقیری یعنی گدایی. لب اتوبان می‌ایستند و گدایی می‌کنند. اما نامش را فقیری گذاشته‌اند. البته آنها اسمش را گدایی نمی‌گذارند و می‌گویند برای این کار زمان زیادی صرف می‌کنند».

دیگر چشم‌هایمان جایی را نمی‌بینند. طراوت می‌گوید راهی که باید طی کنیم، جاده خاکی کم‌عرضی است که باید حواسمان به کنار پایمان باشد. همان‌طور که پشت به هم از لبه‌های زمین‌ها رد می‌شویم و دستمان را به سیم‌های خاردار می‌گیریم، سرم را می‌چرخانم و به دره بزرگی نگاه می‌کنم که اگر کمی پایم منحرف شود، به داخلش پرت می‌شوم. مهدی می‌گوید: «اصلا سمت راستتان را نگاه نکنید. هوا هم تاریک است. آنجا که رسیدیم، بلند سلام کنید، از سگ‌ها نترسید، سگ‌ها ما را می‌شناسند. با مردم هم صحبت کرده‌ایم، بگذارید احساس کنند دوست هستید تا شما را به کپرهایشان راه بدهند». ۱۰ دقیقه در سکوت پیاده‌روی می‌کنیم، کمی بعد از یک تپه نیمه‌بلند، صدای زوزه سگ‌ها و بعد نورهای کم‌جانی پیدا می‌شود که گواهی رسیدنمان می‌شود. در تاریکی به‌سختی می‌شود چادرهای سوخته را تشخیص داد. کودکی پاپرهنه به سمتمان می‌دود و خودش را در آغوش مهدی جا می‌کند. اولین آدمی که جلوی پایمان ظاهر می‌شود؛ همه‌مان با هم و دستپاچه بلند سلام می‌کنیم. بعد سگ‌ها به طرفمان می‌آیند و دو مرد نزدیک می‌شوند و با لهجه‌های محلی جوابمان را می‌دهند. پسری لاغراندام و ریزنقش، درحالی‌که دخترکی دو، سه‌ساله را در آغوش دارد، نزدیک می‌شود. نامش مرتضی است، پوستی تیره دارد و با لبخند از طراوت می‌پرسد برایشان خانه‌ای پیدا کرده‌اند یا نه. طراوت هم می‌گوید ما آمده‌ایم تا درباره وضعیت آنها گزارشی بنویسیم و به گوش مسئولان برسانیم. از مرتضی می‌پرسم چند سال دارد و او می‌گوید: «نمی‌دانم، ۱۷، ۱۸ سال». می‌گویم: «مرتضی خواهرت را زمین بگذار تا عکاس از او عکاسی کند...»، مرتضی می‌گوید: «این خواهرم نیست خانم، دختر کوچکم است. من دو فرزند دارم..». مرتضی می‌گوید زنش ۱۵ساله است و حالا در اتوبان مشغول فقیری‌کردن است. از او درباره شغلش سؤال می‌کنم و او می‌گوید: «من هنرمندم... ساز می‌زنم. اما حالا محرم است و نمی‌توانم کاسبی کنم. اگر برایم خانه پیدا کنید، قول می‌دهم اجاره‌اش را بدهم. یا لااقل کاری کنید که از این زمین‌ها بیرونمان نکنند». به سمت چادر مرتضی می‌رویم. خودش و همسر و فرزندانش در چادری دو، سه متری که دوباره بعد از آتش‌سوزی به پا کرده‌اند، زندگی می‌کنند. وسط چادر گاز پیک‌نیک کوچکی روشن است که گرمایش چادر را هم تأمین می‌کند. دو پتوی زرد و کهنه تمام دارو‌ندار آنهاست. چشم‌هایم روی سیخ و تریاک کنار گاز پیک‌نیکی ساکن می‌ماند. مرتضی می‌گوید: «مال من نیست خانم، فامیلم از شهرستان آمده و میهمان ماست. سیخ و سنگ مال اوست». به او می‌گویم: «توی چادر خودت هم به زور جا شده‌ای، چطور میهمان دعوت می‌کنی و تریاک هم می‌کشد؟» کمی بعد پسر جوانی به اسم عادل به جمع‌مان اضافه می‌شود که از قضا میهمان کپر مرتضی است. مرتضی به گویش محلی حالی‌اش می‌کند که به ما بگوید ادوات موادکشیدن مال اوست. ما هم به روی خودمان نمی‌آوریم و به سمت پرجمعیت‌ترین چادر محله می‌رویم. خاله سارا از قدیمی‌های روستا ما را به سمت چادر برد و هی توی گوشمان التماس می‌کند: «تو رو خدا بگو ما را از اینجا بیرون نکنند. حتی دستشویی‌هایمان را خراب کردند. التماس‌شان کردیم و گفتیم لااقل دستشویی‌ها را خراب نکنید؛ اما به خرجشان نرفت. مجبوریم توی بروبیابان قضای حاجت کنیم. حالا بچه‌ها را جمعیت امام علی به حمام می‌برد، اما تکلیف ما چیست؟» به آخرین چادر نزدیک می‌شویم؛ چادر برای نصیبه و پنج فرزند و همسرش است. نصیبه همه فرزندانش را در همین بیابان به دنیا آورده، هر پنج بچه بی‌شناسنامه‌اش را. می‌گوید: «تو رو خدا بگویید خانه‌خراب‌مان نکنند، من با پنج بچه بی‌شناسنامه، با شوهر معتاد کجا بروم؟»

از جلوی کپرهای سوخته که رد می‌شویم، مرتضی نام صاحب هر کپر را می‌گوید. حالا دیگر جز ۱۰، ۱۲ خانواده که هیچ‌کدام اوراق هویتی و کار و جایی برای ادامه زندگی ندارند، بقیه در میان روستاها پخش‌وپلا شده‌اند. می‌گویند هر یکی، دو سال این بلا را سرشان آورده‌اند. به مرتضی می‌گویم نمی‌خواهد کاری برای شناسنامه بچه‌هایش بکند؟ مرتضی می‌گوید: «این بچه‌ها این‌قدر بدبختی دارند که شناسنامه‌گرفتن جزء تجملات است خانم...».

از آنها خداحافظی می‌کنیم و تپه‌های خاکی را بالا می‌رویم تا به ماشین برسیم؛ زنی درحالی‌که کودکی را بغل گرفته و چهار کودک دیگر همراهی‌اش می‌کنند، به سمت ما می‌آیند. بچه‌ها با دیدن مهدی و طراوت، تقاضای شیرکاکائو می‌کنند و از سروکولشان بالا می‌روند. زن به طراوت می‌گوید نوزادش سرما خورده و باید به دکتر برود. بچه بی‌تاب و تب‌دار، با گریه و بی‌قرار خودش را به سینه مادرش می‌چسباند. طراوت می‌گوید در این هفته دکتر به آنها می‌رساند و زن همان‌طور که چادرش را محکم می‌کند، می‌گوید: «پس زود برگرد». زن که از ما دور می‌شود، مهدی می‌گوید: «دیگر کم‌کم باید برویم، ممکن است مشکلی برایمان ایجاد شود». دوباره لبه پرتگاه را رد می‌کنیم، دوباره جاده‌های خاکی را رد می‌کنیم و به قبرستان می‌رویم و هر سه‌مان بلندبلند فکر می‌کنیم که هیچ‌کس باور نمی‌کند ما امشب کجا بودیم... .

در مراسم تودیع و معارفه رئیس سازمان میراث مطرح شد

مختومه‌شدن بزرگ‌ترین پرونده فساد در میراث‌فرهنگی

شرق: مسعود سلطانی‌فر در روز تودیعش به‌عنوان رئیس پیشین سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، بزرگ‌ترین پرونده فساد در این سازمان را با حکم دادگاه مختومه اعلام کرد و سپس به جانشین خود در این سازمان توصیه‌هایی کرد تا کارهای درحال‌انجام روی زمین نماند.

وزیر کنونی ورزش و جوانان که صبح روز یکشنبه، ۲۳ آبان برای شرکت در مراسم تکریم و تودیعش به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری رفته بود، درباره جزئیات پرونده بزرگ فساد در این سازمان توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش ایسنا، سلطانی‌فر در این رابطه گفت: مبارزه با فساد در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجموعه شرکت‌های وابسته به آن یکی از مأموریت‌های ما بود. روزی که به این سازمان آمدم، آقای نجفی - رئیس اسبق میراث فرهنگی و گردشگری - پرونده قطوری را پیش‌رویم گذاشت و گفت: «خدا به دادت برسد»، اما با تلاش همکاران و همکاری قوه قضائیه، سازمان میراث فرهنگی در این پرونده درحالی‌که حکم محکومیتش به‌ناحق در دو دادگاه صادر شده بود، تبرئه شد. وی افزود: شرکت توسعه گردشگری که به صورت صوری در دولت گذشته تشکیل شده بود، قرارداد خاصی داشت که براساس آن برای ساخت سه هتل کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان هزینه کرد، اما در دادگاه شکایتی را علیه سازمان مطرح و اعلام ضرر ۱۰۸میلیاردتومانی کرد. ما در ادامه تقاضای اعمال ماده ۱۸ قانون را کردیم که با صلاحدید قوه قضائیه این پرونده به دیوان‌عالی رفت و پس از ۲.۵ سال پیگیری، حکم تبرئه آن دو هفته پیش صادر شد و به‌این‌ترتیب از وقوع بزرگ‌ترین فساد در این سازمان جلوگیری شد. وی ادامه داد: ما با پرونده‌هایی از این دست بسیار مواجه بودیم. نمونه دیگرش پرونده بهره‌بردار عمارت مسعودیه بود که تخلفاتی داشت و ما الزام داشتیم جلو فساد آن را بگیریم. مسعودیه در یک قرارداد پرحرف‌وبحثی واگذار شده بود، ولی خوشبختانه در این مورد نیز دستگاه قضائی حامی ما بوده است. رئیس پیشین سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سپس با شرحی از وضعیت گذشته این سازمان در زمان واگذاری اظهار کرد: این سازمان سه سال قبل وضعیت نابسامان و ناامیدکننده‌ای داشت. خیلی‌ها فکر می‌کردند بعد از تلاطم‌ها و نابسامانی‌های دو، سه سال اخیر دولت گذشته و صدمات گسترده‌ای که ناشی از جابه‌جایی و انتقال به شیراز و اصفهان بوده است، بنده شش ماه بیشتر در این مسئولیت دوام نیاوردم، اما با عنایت خدا و تلاش همه همکاران و دوندگی مدیران، نه‌تنها سازمان در سال ۹۵ در همایش شهید رجایی به‌عنوان دستگاه نمونه انتخاب شد، بلکه روی آرامش را دید.

او در ادامه چند محور را در انجام امور مربوط به این سازمان مورد تأکید قرار داد و گفت: ما روش کاری در طول این سال‌ها داشتیم که آن را به رئیس جدید پیشنهاد می‌کنم. نخستین محور که در دستور کار ما قرار گرفت، این بود که سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری که حدود ۱۰ سال گرفتار سیاسی‌کاری شده بود، از این هیاهو و جنجال‌سازی‌ها دور نگه داشته شود و صرفا کار تخصصی انجام دهد. فکر می‌کنم در این بخش موفقیت زیادی داشتیم و سازمان را تخصصی و حرفه‌ای کردیم.

سلطانی‌فر سپس با تأکید بر لزوم تعامل گسترده با تمام دستگاه‌ها ازجمله شهرداری‌ها، وزارت امور خارجه و صندوق توسعه ملی گفت: در این مدت نزدیک به ۸۰۰میلیارد تومان اعتبار برای ۷۰ طرح هتل‌سازی از صندوق توسعه ملی دریافت شد که طبق توافق قرار است حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰میلیارد تومان دیگر از منابع این صندوق استفاده شود. در این مدت ۳۶ هتل چهار و پنج‌ستاره به ظرفیت قبل اضافه شده و تا پایان دولت دوم آقای روحانی، ۱۷۰ هتل چهار و پنج‌ستاره دیگر آماده خواهد شد. وی سپس توصیه‌هایی را برای «احمدی‌پور»، رئیس جدید سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ارائه کرد و گفت: پیگیری تهیه برنامه جامع گردشگری که از سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز شده، به‌عنوان سند بالادستی می‌تواند حرکت منظم و منسجمی را به صنعت گردشگری بخشد. این یکی از اقداماتی است که لزوما باید ادامه داشته باشد. وی همچنین درخواست کرد، در قوانین و مقررات میراث فرهنگی که مربوط به سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۵۹ است و تاکنون مشکلات زیادی را برای مردم به وجود آورده، بعد از ۴۰ سال بازنگری شود. البته مشاور حقوقی برای این مورد تعیین و مرحله نخست انجام شده تا بازنگری دقیق در بخشی از قوانین، متناسب با شرایط امروز مردم، تقدیم دولت و مجلس شود. سلطانی‌فر همچنین از رئیس جدید سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خواست طرح اشتغال ضربتی ۱۴۰هزارنفره را که برنامه آن آماده شده و هماهنگی‌هایش با سیستم بانکی و مراجع مربوط صورت گرفته، ادامه دهد. او گفت: این طرح با تعیین تسهیلات محدود میانگین ۴۰ میلیون تومان اجرا خواهد شد.

در این مراسم که اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور و «شهیندخت مولاوردی»، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده و تمامی مدیران کل میراث فرهنگی استان‌های کشور در آن حضور داشتند «سیدمحمد بهشتی»، رئیس پژوهشگاه سازمان، نخست توصیه‌هایی به رئیس جدید این سازمان کرد و در ادامه نیز «سعید شیرکوند»، معاون سرمایه‌گذاری سازمان، به بیان اقدامات انجام‌شده در سه سال گذشته این سازمان پرداخت. «سیدمحمد بهشتی» در ابتدا اظهار کرد: سازمان میراث فرهنگی در زمان تحویل به «محمدعلی نجفی» و در ادامه «مسعود سلطانی‌فر»، نخست یک بیمار اورژانسی و صدمه‌دیده بود که زخم خورده بود، اما حالا خیال‌مان راحت است که این سازمان فرهنگی دوره سخت را گذراند و باید به بخش، منتقل تا به طور کامل مداوا شود. وی در ادامه سلطانی‌فر را به نادرشاه افشار تشبیه کرد که به همه کشور سفر کرده و پیگیری‌هایش را در جایگاه خود انجام داده؛ بنابراین باید مدال دوندگی بگیرد. وی افزود: امیدوارم خانم احمدی‌پور با توجه به ویژگی‌هایی که دارند، موفق باشد. از سوی دیگر، ما بنا به دلایلی باید از حضور وی در این سازمان پشتیبانی کنیم. از سال ۱۳۰۹ هیچ خانمی به ریاست این سازمان انتخاب نشده است.

بهشتی در ادامه با معرفی بخش‌های مختلف سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: در این سه حوزه موضوعات مختلفی وجود دارد. از سوی دیگر سه موضوع حقوق بشر، محیط زیست و میراث فرهنگی در جهان وجود دارد که اگر هر کشوری به آنها اهمیت دهد، نشانه توسعه‌یافتگی کشورهاست که این سه شاخه، نشان می‌دهد توسعه‌یافتگی، فرهیختگی و جایگاه اصلی کشورها کجاست. او با تأکید بر اینکه نباید از اهمیت گردشگری نیز غافل شد، افزود: این صنعت علاوه بر اینکه در ایجاد اشتغال و درآمدزایی اهمیت دارد، در دیپلماسی عمومی نیز بسیار مهم است؛ چون هیچ‌چیز به اندازه گردشگری نمی‌تواند تصویر واقعی ایران را نشان دهد. این در حالی است که ما از تصویری که قبلا از ایران به دنیا نشان داده شده، خسارت‌های زیادی دیدیم.

«زهرا احمدی‌پور»، رئیس جدید این سازمان نیز در مراسم معارفه‌اش بیان کرد: سیاست‌ها و برنامه‌های این سازمان همچنان ادامه خواهد یافت و با خلاقیت و تحرک بیشتری سعی می‌کنم این سازمان مراحل بهبود خود را طی کند. تمام تلاشم را به کار می‌گیرم تا با توجه به تعهدی که به عرصه فرهنگ، ملت بزرگ، سرزمین کهن و دولت تدبیر دارم، با تحرک، خلاقیت و نوآوری بیشتری به دولت کمک کنم تا در تحقق اهدافش موفق شود.

وی در سخنانی با تأکید بر ضرورت انسجام بین سه حوزه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: گستره عملکرد این سازمان از درِ منزل هر ایرانی یا حتی داخل آن آغاز می‌شود و تا کیلومترها بیرون از مرزهای کشور را درمی‌نوردد. اگر قرار باشد مسئولیتی به کسی محول شود، قرار نیست متولی اداره امور، این سازمان باشد. تولیگری، هر آنچه به این سرزمین تعلق دارد، است. احمدی‌پور اظهار کرد: ما با رویکرد حاکمیتی، حمایتی و مشارکتی، سعی می‌کنیم ابعاد مختلف فعالیتی این سازمان را به هم پیوند دهیم، بدون اینکه فکر کنیم نگاه‌کردن به هر یک از عناصر، می‌تواند به سایر ابعاد فعالیتی این سازمان خللی وارد کند. او با بیان اینکه رویکرد دولت تدبیر، خلاقیت‌بخشی و نوآوری است، افزود: انتصاب‌های این دولت نیز متأثر از این تفکر است که سعی بر این داشت دولت تحویل گرفته و سازمان اداری تحویل گرفته و آسیب‌دیده را به سامان برساند که غیر از نگاه تدبیر، امکان به‌سرانجام‌رساندن این نابسامانی‌ها فراهم نبود. احمدی‌پور تأکید کرد: برای به‌سرانجام‌رساندن رسالت‌های دولت در قالب قوه مجریه، کارآمدی و خلاقیت به عنوان یک اصل مورد نظر قرار گرفت و این مواردی بود که دولت در تغییر کابینه نیز به آن اشاره کرد که سیاست‌ها در قالب منشور اخلاقی و برنامه‌های تدوین شده با سرعت، تحرک و خلاقیت بیشتری به اجرا درآید. دولت همان دولت تدبیر و امید است، اما این تغییر بنا به ترمیمی است که به صلاحدید رئیس‌جمهور صورت گرفته است.

رئیس جدید سازمان میراث فرهنگی و گردشگری همچنین در پایان مراسم و در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی مبنی بر برنامه‌ریزی‌هایش برای تغییر معاونان و مدیران این سازمان در پاسخی کوتاه گفت: اولویت من فعلا تغییرات نیست، بلکه تحرک در اجرای برنامه‌های این سازمان است.

خبر

معاون وزیر راه و شهرسازی:

رانت‌های شهرسازی یک‌شبه افراد را میلیاردر می‌کند

● **ایلنا:** معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه رانت‌هایی که در شهرسازی وجود دارد، می‌تواند یک‌شبه افراد را میلیاردر کند، گفت: از نیمه دوم سال ۹۲ هیچ مجوزی درباره بلندمرتبه‌سازی در تهران و در سایر شهرها هم مانند مشهد صادر نکرده‌ایم، در این مدت بر شهرداری‌ها فشار آوردیم که طبق ضابطه عمل کنند. پیروز حناچی که در یک برنامه تلویزیونی حضور یافته بود، در پاسخ به این سؤال که چرا مجوزهای داده‌شده در دولت قبل، به اجرا می‌رسند، گفت: ساخت‌وساز پروژه‌های بلندمرتبه، بحث‌های مالی و حقوقی بسیار پیچیده‌ای دارد و البته ما جلوی اجرای برخی از پروژه‌ها مانند ایران‌زمین را گرفتیم. وی با بیان اینکه هر تصمیمی که درباره شهرسازی گرفته می‌شود، باید در راستای حفظ منافع بلندمدت شهروندان باشد، گفت: امروز افراد نمی‌توانند در هر کجا و با هر مساحتی شروع به ساخت‌وساز کنند. وی ادامه داد: زمانی که سیستم پایش و بررسی خاموش شود، هر اتفاقی می‌تواند در حوزه شهرسازی بیفتد. معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه شهر با سرمایه شهروندان اداره می‌شود، گفت: باید در حوزه شهرسازی منافع بلندمدت شهروندان در نظر گرفته شود. وی درباره بلندمرتبه‌سازی‌هایی که در تهران انجام شده است، گفت: در طرح جامع تهران مصوب سال ۱۳۸۶ ضوابطی برای بلندمرتبه‌سازی گنجانده شده است اما پیش از آن هم برنامه‌ها و الزاماتی دراین‌باره وجود داشت؛ حال اینکه اگر برنامه‌ای اجراشدنی نبود، افرادی وجود داشتند که قانون را اجرا می‌کردند. بعضی از برنامه‌ها درست به اجرا نرسیده‌اند و برخی‌ها هم به‌درستی انجام شده‌اند؛ مانند محدوده تپه‌های عباس‌آباد. مجری برنامه در واکنش به این صحبت معاون وزیر راه و شهرسازی، گفت: جلوی این پروژه گرفته شد؛ به دلیل اینکه مالک آن بابک زنجانی بود. حناچی در پاسخ به مجری برنامه گفت: در پروژه‌ها کاری به مالک نداریم؛ جلوی این پروژه گرفته شد چون پروژه ناهنجاری بود و در آن منطقه فقط باید ساختمان‌های دوطبقه ساخته می‌شد؛ بنابراین جایی برای بلندمرتبه‌سازی نبود. معاون معماری و شهرسازی وزارت راه ادامه داد: معتقدیم پروژه اطلس مال هم ناهنجار است و طبق طرح جامع تهران شهرداری حق نداشت در این منطقه مجوز بلندمرتبه‌سازی صادر کند؛ ضمن اینکه در طرح جامع مکان اطلس مال پارکینگ تعریف شده است و ما به شهرداری این الزام را اعلام کرده‌ایم که در آن منطقه باید یک پارکینگ احداث کند. حناچی با بیان اینکه در سه سال گذشته اقدامات خلاف طرح جامع تهران متوقف شده است، گفت: هر پروانه ساخت سه سال اعتبار دارد و این مانند این است که شهرداری بذری را در شهر تهران پاشیده و هر روز ممکن است ساختمان‌هایی سر در بیاورند.

وی با بیان اینکه خوشبختانه جهت‌گیری عمومی شهرداری تهران هم تغییر کرده است، گفت: حد فاصل سال‌های ۹۰ تا ۹۲ مجوز ساخت ۱۴۰ برج مسکونی در تهران صادر شده است که اگر جلوی این گرفته شود، شهرداری از عهده گردش مالی آن و پرداخت هزینه‌ها بر نمی‌آید. معاون وزیر راه و شهرسازی همچنین با بیان اینکه پیش‌نویس مصوبه منابع مالی پایدار آماده شده است، گفت: این پیش‌نویس آماده ارائه به هیأت وزیران است و دولت قبول دارد که باید حداقل منابعی در اختیار شهرداری‌ها قرار گیرد که از این پس هزینه امور اداری شهر را مردم با آلودگی هوا و فروش آسمان تهران نپردازند. حناچی تأکید کرد: معتقدم اگر تصمیمات پشت پرده اخذ نمی‌شد، قطعا امروز دچار این مشکلات نبودیم و در بسیاری از کشورها مردم از پروانه‌هایی که برای ساخت‌وساز صادر می‌شود، اطلاع دارند؛ ما هم باید به سمت شفافیت اطلاعات برویم. معاون وزیر راه و شهرسازی در پاسخ به سؤال این مجری برنامه که صحبت‌های شما درباره تخلفات شهرداری شفاف نیست، گفت: علت شفاف‌نبودن صحبت من ترس از دادستان است. حناچی ادامه داد: امتیازات و رانت‌هایی که در حوزه شهرسازی وجود دارد، می‌تواند افراد را یک‌شبه میلیاردر یا برخی‌ها را یک‌شبه بدبخت کند. معتقدم در این دوره هیچ راهی جز شفافیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی به‌موقع و استفاده از نیروهای متخصص و حرفه‌ای نداریم.

مارکوپولو
گروه گردشگری
شرکت ایرانگردی مارکوپولو
سفر به کیش را از بدو ورود خاطره انگیز کنید
خدمات تشریفات فرودگاه کیش(CIP) :
• استقبال با خودروهای لوکس • استراحت در سالن تشریفات • دریافت بار و ترانسفر به هتل

تلفن: ۸۸۵۰۳۵۶۴ (داخلی ۱۰۳) فکس: ۸۸۵۰۳۷۲۳